

ابنیه باستانی

آذربایجان

ابنیه و آثار باقیمانده از ساکنین قدیم آذربایجان شاهد زنده و زبان‌داری از هنرمندی و نموداری از تمدن ریشه دار و اصیل مردم این دیار بشمار میرود .

بناهای قدیمی و تاریخی آذربایجان که تا اندازه‌ای از حوادث مصون مانده اغلب از آثار دوره ایلخانان مغولی ایران و صفویه بوده و حاوی شاهکارهای معماری و تزئینات و کاشیکاریهای ذیقیمت میباشند .

در دوره مغول هر چند که پس از مدت‌ها قتل و غارت و ویرانی در قلمرو خوارزمشاهی عده‌ای از ایلخانان و فرمانروایان مغولی هواخواه و دوستدار صنعت شده و بعضیها مساجد و مقابر و بناهای

بقلم

اسماعیل دیباج

دیگری از خود بیادگار گذاشته اند ، ولی بعدها برخی از این ابنیه در اثر عدم علاقه و توجه و یا حوادث دیگر از بین رفته و فقط از زمان غازان خان بعد که دوره تجدد صنعتی و پیروی از آثار گذشته شروع شده است بناهایی مانند : مسجد علیشاه یا ارك تبریز (بین سالهای ۷۱۶ و ۷۳۶ هـ ق) - مسجد کبود تبریز (۸۷۰ هـ ق) - گنبد غفاریه و دوسه بنای دیگر در مراغه (بین سالهای ۵۴۲ و ۷۲۸ هـ ق) محراب مسجد جامع مرند (۷۳۱ هـ ق) و محراب مسجد جامع رضائیه (۷۶۷ هـ ق) باقیمانده که نمونه ای از آثار معماری و صنعتی دوره مزبور بشمار میرود .

علاوه بر بناهای نامبرده در بالا ابنیه دیگری را مانند :

مسجد استاد شاگرد - مسجد حسن پادشاه - مقبره سید حمزه - مقبره صاحب الامر در تبریز - مسجد جامع رضائیه - مسجد جامع مرند میتوان نام برد که در اثر زلزله و یاسامرور زمان ویران گشته و بعدها مردم خیر و نیکوکار تجدید بنا نموده اند ولی متأسفانه در نتیجه عدم توجه در نگهداری آثار باقیمانده در تعمیرات بعدی اغلب فاقد خصوصیات تاریخی و صنعتی میباشند .

ضمناً بناهای با عظمتی مثل : ربع رشیدی تبریز (۶۴۵-۷۱۸ هـ ق) شب غازان تبریز (۶۹۴-۷۰۳ هـ ق) - رصدخانه مراغه (۶۴۸ هـ ق) و برج کبود (گوی برج) مراغه (یکی از مزارهای مراغه واقع در کوچه سبز چپان که در سال ۱۳۱۷ شمسی خراب شده است) بکلی فروریخته و از بین است که درباره وضع سابق بعضی از آنها بمنظور معرفی موقع و تاریخ بنا اطلاعات و مطالبی با مراجعه به نوشته های مورخین و سیاحان در این مقاله از نظر خوانندگان گرامی خواهد گذشت .

بنا های تاریخی باقیمانده در آذربایجان از دوره ایلخانان مغول

۱- گنبد سرخ مراغه
(۵۴۲ هـ - ۱۱۴۷ م)

گنبد سرخ از قدیمترین مزارهای مراغه است که در قسمت جنوبی شهر و سمت غربی جاده هشتگرد واقع و بشکل چهار پهلو بضلع $۸/۴۰$ متر میباشد. ازاره بنیان آن از یک نوع سنگ سفید و دیوارهای اصلی با آجر و ملات گچ و شن ساخته شده است.

این بنا که مطابق کتیبه باقیمانده در ۱۵ شوال ۵۴۲ هجری ساخته شده است مانند سایر بناهای دوره ایلخانان مغول بعنوان مزار ساخته شده که در قسمت بالای آن محوطه اطاق مانند مخصوص بانجام مراسم نیایش و درزیر آن دخمه ای برای دفن اجساد قرار گرفته است.

قسمت بالا اطاق چهار پهلوئی است بضلع $۵/۹۵$ متر که برسکوی بلندی قرار دارد و دیوارهای داخلی آن تماماً با آجر قرمز رنگ ساخته شده و با گنبد مقرنسی پوشیده شده است.

باملاحظه ودقت در آثار و آجرکاری باقیمانده دندانه یا شرفه بالائی نمای خارج معلوم میشود که این بنادر اول پوششی بشکل هرم شمن داشته و فعلاً بغیر از قسمتهای پائین آن چیزی باقی نمانده است.

نمای خارجی هر پهلوئی قسمت بالای بنا دارای دو طاق نما با حاشیه کتیبه داری است بغیر از نمای شمالی که یک طاق نما بوده و در گاه مدخل بنا به بلندی $۱/۵۰$ متر (هفت پله) از کف محوطه اطراف بنا در وسط آن قرار گرفته است.

در اطراف این بدنه بالای در گاه مدخل بنا که پراز نقش و نگار تخمیری

مرکب از نقش و نگار هندسی از آجر و کاشی است کتیبه‌ای بخط کوفی بشرح زیر خوانده میشود :

« امر بناء هذه القبة الامير الرئيس فخر الدين عماد الاسلام قوام آذر بايجان ابو العز عبد العزيز محمود بن سعيد يديم الله علاه »

در بالای کتیبه مذکور در يك سطر افقی چنین نوشته شده :

« بنی المشهد فی الحادی عشر من شوال سنه اثنین و اربعین و ختم سمانه »
در حاشیه دو پهلوئی کتیبه تاریخ بنا آیتی از قرآن مجید و نام بنا (محمد بن بنदान، البناء بن الحسن معمار) نوشته شده است .

این بنا مزار شخص مجهولی بوده ولی با مطالعه کتیبه بالای در گاه چنین معلوم میشود که با دستور عبدالعزیز یکی از حکمرانان مراغه که لقب قوام یار رئیس آذر بايجان داشته ساخته شده است .

بنای تاریخی گنبد سرخ در اثر مصون ماندن از خرابکاری و استحکام بنا و همچنین در نتیجه تعمیراتی که با تصویب اداره کل باستانشناسی از سال ۱۳۲۱ شمسی باینطرف به عمل آمده نسبت بسایر ابنیه مراغه آبادتر مانده است .

۲ - مقبره بشکل دایره مراغه (۵۶۳ هـ - ۱۱۶۷ م)

این بنا بشکل دایره با آجرهای مخصوص ساخته شده و در مجاورت گنبد کبود، در محوطه پشت عمارت یکی از آموزشگاههای مراغه واقع و مانند بناهای دیگر روی سکوئی بلند و دخمه عمیق قرار گرفته است .

از گنبد و سقف کتیبه‌های مربوط بنام صاحب‌مزار و سازنده بنا فعلا اثری باقی نمانده و فقط در بالای در گاه از کتیبه‌ای بخط کوفی با نقوش پیچیده از کاشیهای فیروزه‌ای جملات زیر خوانده میشود :

« کل نفس ذائقة الموت تم النباء برجب »

« سنه ثلث و ستین و خمس مائة »

۳ - سه گنبد رضائیه (۵۸۰ هـ - ۱۱۸۴ م)

بنای سه گنبد عبارت از مقبره ایست بشکل برج که در جنوب شرقی آبادیها و محلات شهر رضائیه واقع و طبق نظریات باستانشناسان در سال ۵۸۰ هجری بنا شده است.

این بنا تقریباً شبیه به بنای مزارهای قدیمی شهر مراغه میباشد که در نتیجه عدم مراقبت و خرابیهای وارده قسمت عدده خطوط و نقوش آن ریخته و از بین رفته است.

در سالهای اخیر با توجه اولیاء امور نسبت به نگهداری باقیمانده آثار این بنا بانجام تعمیرات ضروری و مرمت قسمت های خراب شده و ریخته از سنگ های نما و بنیان طبق نظر کارشناسان بسبک قدیمی و اصلی از طرف اداره کل آموزش و پرورش استان چهار اقدام شده است.

راجع بوجه تسمیه (سه گنبد) بعضی از مورخین قایلند که دو بنای دیگر نیز در مجاورت دهبی بنام چهریق (بخش شاهپور) وجود داشته که مجموعاً این سه بنا را در قدیم سه گنبد مینامیده اند.

۴ - گنبد کبود مراغه (۵۹۳ هـ - ۱۱۹۶ م)

گنبد کبود شبیه به برج هشت پهلوی بلندی است که در محوطه پشت عمارت یکی از آموزشگاههای دولتی در وسط شهر مراغه واقع و بغلط

۱- چهریق نام روستائی است از دهستان چهریق (بخش شاهپور از دهستان خوی- استان ۴) که در ۱۹ کیلومتری جنوب باختری نصب شاهپور واقع و در حدود ۳۵۰ نفر سکنه دارد.

دهستان چهریق در جنوب باختری بخش شاهپور و در غرب مرز ایران و ترکیه واقع و شامل ۳۰ آبادی بزرگ و کوچک است و در حدود سه هزار نفر سکنه کرد در اراضی کوهستانی آن مشغول زراعت و کله داری میباشد.

بمقبره مادر هلاکو معروف شده است. زیرا مادر هلاکو خان^۱ بنام سویور کوگتنی خاتون^۲ مسیحی و خود هلاکو هم بودائی و مخالف با دین اسلام بوده و خیلی بعید بنظر میرسد که مقبره مادر او را با خطوط و آیات قرآنی مزین نمایند.

در کنار سطوح جانبی پایه های ستون مافندی ساخته شده که مثل سطح خارجی طاق نماها با تزئینات تخمیری (مرکب از آجر و کاشیهای الوان) و خطوطی پوشیده شده که اغلب آنها بکلی از بین رفته است.

این بنا هم مزار شخص مجهولی بوده ولی با تطبیق آثار باقیمانده بنای مزارهای دیگر چنین معلوم میشود که پس از دوره استقرار هلاکو در مراغه ساخته شده و دارای طاق بلند است که بر روی سکوی سنگی قرار دارد و در زیر آن دخمه قرار گرفته است.

در دیوارهای اطاق بالا ئی آیاتی از قرآن مجید بخط نسخ کج ببری گردیده و همچنین روی سنگی که در دیوار داخلی طاق غربی نصب نموده اند دو آیه از سوره ۵۵ قرآن با نقوش بسیار زیبا حجاری شده است.

نظر به اینکه از چند سال قبل شکافی در قسمت بالا ئی طرف جنوبی بدنه این بنا تولید گشته و احتمال ریزش و خرابی قسمت بزرگی میرفت نگارنده در اسفندماه سال ۱۳۲۱ خورشیدی طبق دستور اداره کل باستان شناسی بمراغه عزیمت کرده و پس از بازدید کامل نسبت به نصب ستونهای لازم برای جلوگیری از ریزش قسمتهای شکسته اقدام و در سالهای بعد طبق برنامه تنظیمی به کلاف بندی بوسیله میله های آهنی و پوشش سقف بنا با خریا و آهن ورقی اقدام و تعمیرات ضروری بتدریج انجام داده شده است.

۱ - هلاکو (هولاکو خان) نواده چنگیز خان مغول از طرف برادرش منکوقاآن (پسر اولیخان) مأمور سرکوبی بقایای امراء و حکام نواحی آسیای غربی گردیده و بعد از قلع و قمع اسمعیلیه ایران (۶۵۴ ه ق) و فتح شهر بغداد و قتل المستنصر بالله آخرین خلیفه عباسی (۶۵۶ ه ق) به آذربایجان برگشته شهر مراغه را پایتخت خود قرار داده است.

۲ - جداول آثار ایران (صفحات ۵۹-۶۰- چاپ تهران در سال ۱۳۱۴ خورشیدی)

۵ - ربع رشیدی تبریز

بناهای ربع رشیدی بین سالهای ۶۴۵ و ۷۱۸ هجری (۱۲۴۷ - ۱۳۱۸ م) بامر خواجه رشیدالدین فضل‌اله وزیر قازانخان درانتهای شمال شرقی (محلات فعلی باغمیشه و ویلانکوه یا ویلیان کوه) روی دامنه‌های کوه سرخاب ساخته شده و یکی از عمارات مجلل و زیبا و ساختمان‌های باشکوه تبریز بوده است. این محل از حیث آب و هوا از بهترین نقاط تبریز است و حمداله مستوفی در کتاب نزهت القلوب چنین نوشته:

«در بالای شهر تبریز وزیر سعید خواجه رشیدالدین طاب ثراه بموضع ویلیان کوه داخل باروی غازانخان شهرچه دیگر ساخته و آنرا ربع رشیدی نام نهاده و عمارات فراوان و عالی بر آورده و پسرش وزیر عنایت‌الدین امیر محمد رشیدی بر آن عمارت بسیار افزوده است».

بعضی از مورخین و سیاحان مانند: دولت‌شاه سمرقندی و شاردن سیاح فرانسوی که در سال ۱۰۸۴ هجری قمری (۱۶۷۳ م) بایران مسافرت کرده مطالبی در عظمت این عمارات وسیع نوشته و به یادگار گذاشته‌اند.

بناهای مختلف ربع رشیدی عبارت بوده از مسجد و مدرسه و بیمارستان و مهمانخانه و کتابخانه و ضرابخانه و خانقاه و مقبره و کارخانه نساجی و کاغذ سازی متصل و مربوط بهم دیگر که حصاری بدور آنها کشیده بوده‌اند.

خواجه رشیدالدین فضل‌اله پسر عمادالدوله ابوالخیر از نویسندگان و مورخین عالیقدر ایران بوده و از دوره غازان خان تا اوایل سلطنت ابوسعید بهادر عهده دار مسند وزارت بوده است.

از سال ۷۱۱ هجری قمری (۱۳۱۱ م) بامر سلطان محمد خدا بنده تاج‌الدین علی‌شاه در امور وزارت باخواجه شرکت نموده ولی پس از چندی میان این دو وزیر مخالفت‌هایی ظاهر شده تا اینکه پس از فوت او لاجایتو سلطان محمد (۷۱۶ قمری -

۱۳۱۶ م) بر تخت سلطنت نشست سلطان ابوسعید بهادر^۱ تاج‌الدین علیشاه رقیب‌دیرینه خواجه رشید شروع به بدگوئی و سعایت در محضر سلطان نموده و آنقدر با تهمت‌های ناروا دل سلطان را از وی برگرداند تا اینکه در هیجدهم جمادی - اولی سنه ۷۱۸ هجری (۱۳۱۸ م) بامر ایلخان این مرد نامی و وزیر بی نظیر بقتل رسید.

پس از کشته شدن خواجه عملرات ربع رشیدی بغارت رفته و در عرض چند سال با عدم توجه اولیاء امور وقت ویران گشته است بطوریکه امروز از آنهمه بناهای زیبا و عالی جز قلل‌های خاک و آثار کمی از بنیان دوسه بارو از حصار اطراف در میان مزارع چیزی دیده نمیشود.

۶ - رصدخانه مراغه

(۶۴۸ هـ - ۱۲۵۰ م)

بنای رصدخانه مراغه در سال ۶۴۸ هـ ق بنا بامر هلاکوخان و بدستور و نظارت خواجه نصیرالدین طوسی و شرکت چند نفر از منجمین معروف روی یکی از تپه‌های شمالی شهر شروع و پس از پانزده سال با تمام رسیده است. پس از تمام شدن بناهای مربوط برصدخانه بامر هلاکوخان کتب و آلات علمی و نجومی بسیار که از فتح بغداد بدست آمده بود در آنجا متمرکز گردیده و زبح ایلخانی در این رصدخانه تدوین شده است.

این بنا تا سال ۷۴۳ هـ آباد بوده و در سال مزبور غازانخان ببازدید آنجا رفته است ولی از آن بعد در اثر زلزله‌های سخت و عدم علاقه اولیاء امور وقت رو بخرابی گذاشته و فعلاً بغیر از چند تل خاک و سنگ و آجر چیزی از آن باقی نمانده است.

۱ - ابوسعید بهادر خان (۷۱۷ - ۷۳۶ هـ ق) آخرین پادشاه مقتدر مغولی ایران بوده و بدستپای ذوالقدری چون خواجه نصیرالدین فضل الله و خواجه علیشاه گیلانی وحدت حکومت ایلخانان مغولی ایران را که دو حال متلاشی شدن بود حفظ کرد.

بنای رصدخانه روی تپه بلندی در دو کیلومتر و نیم شمال مراغه در وسط محوطه مسطحی بوسعت تقریباً ده هزار متر مربع که بمناسبت وور بودن از کوههای بلند اطراف افق بازی دارد قرار گرفته بوده است^۱ در سرازیری سمت غربی تپه مزبور که فعلاً به کوه رصدخانه معروف است مشرف به آبادی کوچکی بنام طالب خان دخمه بزرگی در سنگ و خاک کنده شده که اهالی محل آنرا مربوط به بنای رصدخانه میدانند و حتی در بعضی از کتابها و فرهنگها این دخمه را که شخص مجهولی بمنظور قبر و آرامگاه برای خود درست نموده و بعداً متروک مانده است اشتباهاً به بنای رصدخانه نسبت داده اند.

۷ - محراب مسجد جامع رضائیه (۶۷۶ هـ)

مسجد جامع رضائیه در وسط بازار واقع و دارای صحن بزرگ و مسجد وسیعی است که قسمت اصلی و وسطی آن با گنبد بلندی پوشیده شده است.^۲ در بعضی از قسمت‌های داخلی گنبد کچ بر بپها و کاشیکارهای ظریف باقیمانده و محراب زیبایی که نمونه‌ای از شاهکارهای صنعتی است به بلندی ۷/۸۲ متر و عرض ۵/۴۷ متر زینت بخش دیوار جنوبی میباشد.

۱ - با ملاحظه آثار باقیمانده سنگ و آجر دیوارها چنین معلوم میشود که بنای دایره‌ای به قطر تقریباً بیست متر در وسط محوطه بالای تپه قرار گرفته بوده که از چهار طرف بوسیله پیاده روهای سنگ فرش شده بعرض دو متر و طول ۴۰ تا ۵۰ متر باطراف محوطه مربوط میشود و ضمناً باقیمانده آثار چند بنای کوچک دیگر هم در سمت جنوب شرقی و جنوب غربی بنای وسطی مشاهده میشود.

ضمناً در جلو طاق دخمه واقع در سرازیری سمت غربی تپه دهانه پناه یا راهروی دایره‌ای زمینی بمنظور میرسد که فعلاً پر شده و شاید از این محل راهی برای رسیدن به زینت بنای رصدخانه بلز کرده بوده اند.

۲ - تاریخ بنای اولی این مسجد معلوم نیست ولی در سال ۸۰۷/۸۰۴ از طرف مرحوم رضقله خان بیگلربیگی افشار تعمیر گردیده و علاوه بر این در سالهای اخیر نیز تعمیراتی طبق نظر کارشناسان فنی از طرف اداره کل باستانشناسی و اهالی خیر انجام داده شده است.

در وسط گچبر بهای ظریف این محراب کتیبه‌هایی از آیات قرآنی باقیمانده و همچنین کتیبه‌ای بین دو ستون طرفین قسمت پائین محراب بشرح زیر موجود است .

(عمل عبدالؤمن بن شرفشاه النقاش التبریزی فی شهر ربیع الاول سنه سته و سبعین و ستمائة) ^۱ این اثر باستانی که مورد تحسین و تمجید شخصیت‌های علمی و دوستانداران هنرهای زیبا میباشد در نتیجه ایمان و علاقه استاد کارتا باهروز پا برجا مانده است .

۸- گنبد غفاریه مراغه

(۷۱۵ هـ - ۱۳۱۵ م)

گنبد غفاریه که در قسمت شمالی شهر مراغه و کنار رودخانه صوفی‌چای واقع شده بنائی مربع و تقریباً شبیه به گنبد سرخ میباشد . این بنا هم مانند سایر مزارهای مراغه با آجر ساخته شده و روی سکوی سنگی و دخمه گودی قرار گرفته است .

سه پهلویش شرقی و غربی و جنوبی هریک دارای دو طاق نما است با حاشیه کتیبه‌دار و در زاویه بین پهلوها ستون‌هایی ساخته‌اند که با تزئینات تخمیری و نقوش لوزی یخ پوشیده شده‌اند .

پهلوی شمالی دارای یک طاق نماست که در ب اطاق بالائی در وسط آن قرار گرفته و در بالای طاق مدخل دو سطر کتیبه بخط ریحانی بنظر میرسد که قسمتی از خط آن بشرح زیر خوانده میشود ^۲ .

۱ - محراب گچ بری و زیبا و ظریف دو سال ۶۷۶ هجری به دست استاد ماهر بنام عبدالؤمن فرزند هرقشاه تبریزی نقاشی و گچ بری شده ولی طبق اظهار نظر محققین تاریخ بنای اصلی مسجد قبل از سال ۶۷۶ هجری میباشد .

۲ - نظر بر اینکه کتیبه بالای درگاه که محل ثبت نام صاحب مقبره بوده ریخته و از بین رفته است این بنا هم مانند سایر مزارهای مراغه ، دفن شخصی مجهول میباشد ولی از روی علامات باقیمانده در بالای هلال طاق نماها که عبارت از شکل دو چوگان پشت بهم در داخل دایره ایست میتوان حدس زد که این بنا قبریک نفر از چوگانداران ازامرای ممالیک مصر باشد که بنا نوشته مورخین عرب در سال ۱۳۱۱ هـ . (زمان سلطان ابوسمیدخان ۷۱۷-۷۳۶ هـ) در مراغه فوت کرده است (کتاب آثار ایران - چاپ تهران در سال ۱۳۱۴ خورشیدی) .

«امر باتشاه هذه القبة المباركة في ايام مولانا السلطان الاعظم ظل الله في الارض...
سلاطين العرب والعجم ابوسعيد بهادرخان خلد الله ملكه»
این بنا هم مثل گنبد سرخ علاوه بر طاق گنبدی داخلی از خارج هم گنبدی
داشته که تماماً ریخته و در وسط طاق نمای هر يك از پهلوهای طرفین و عقب دو
پنجره در میان قاب مستطیلی از تزئینات تخمیری قرار گرفته است.

۹ - مسجد علیشاه تبریز (۷۱۶ - ۷۳۶ هـ - ۱۳۱۶ - ۱۳۳۵ م)

مسجد علیشاه معروف به ارك که فعلاً هم آثاری از آن در تبریز باقیمانده
بنای با شکوهی بوده که بادستور و مراقبت تاج‌الدین علیشاه وزیر غازان خان^۱
و مشارکت خواجه رشیدالدین فضل‌الله^۲ وزیر دیگر خان در فاصله
سالهای ۷۱۶ - ۷۳۶ هجری (۱۳۱۶ - ۱۳۳۵ م) ساخته شده است.
مسجد علیشاه که اکنون خراب شده دارای بلندترین مناره یا برج بوده
و اگرچه در سالهای اخیر مرتبه زیرین و برج آن تا اندازه ای تعمیر شده باز
خرابتر گشته و توده عظیم آجری آن از مسافت دور دیده میشود.
این بنا سابقاً در وسط فضای بزرگی واقع و از اطراف محدود بدیوارها
و باروها بوده که امروز تماماً ویران شده و از روی باقیمانده های این بنا معلوم
میشود که در ساختمان و آجرچینی آن مهارت و استادی خاصی بکاررفته است.
این مسجد سقف نداشته و بنای فعلی محراب بوده و عبارت است از سه دیوار
شرقی و جنوبی و غربی.

دهنه طاق محراب سی و هشت قدم و ارتفاع آن از سطح کف محراب تا
انتهای طاق در حدود ۲۶ متر است و بوسیله شصت و نه پله احداث شده بین دو دیوار
سمت شرقی میتوان بالای طاق رفت.

۱- محمود غازان خان (۶۹۴-۷۰۳ هـ ق) نخستین ایلخان است که سلطنت ایران
و آسیای غربی را از امپراطوری بزرگ مغول مجزا ساخته و به حکومت خود استقلال بخشیده است.
۲- خواجه رشیدالدین فضل‌اله همدانی مصنف تادیخ (جوامع التواریخ) از فضلا
و نویسندگان دوره مغولی ایران و وزیر اولجایتو و فرزندش سلطان ابوسعید بهادر خان
بوده است.

بالای طاق بعرض ۱/۷۰ متر غلام گردشی ساخته شده و میان دو دیوار قسمت شرقی و جنوبی و غربی سه چهارم مرتبه سقفها و طاقهای گچ و آجری زده و دیوارها را بالا برده و با چوبهای قطور و میخهای آهنی استوار کرده اند.

در دوره سلاطین قاجاریه چون ابنیه اطراف این مسجد را برای سکونت قوای دولتی و انبار مهمات اختصاص داده بوده اند لذا باقیمانده آثار مسجد بنام ارك معروف شده است.

بعضی از مورخین و سیاحان از جمله کاتب چینی مورخ مشهور عثمانی مولف کتاب جهان نما (چاپ استانبول-۱۳۴۵ هجری قمری) و شاردن سیاح معروف فرانسوی (در سال ۱۰۸۴ هجری تبریز را دیده) در تألیفات خود راجع بمسجد علیشاه تبریز چنین نوشته اند:

۱- از تاریخ جهان نما: مسجد جامع علیشاه منارهای بزرگی داشته که در اثر زلزله های متعدد و حملات قشون خارجی خراب و از بین رفته است.

۲- از سیاحتنامه شاردن: مساجد بزرگ تبریز آنچه بشمار آمده دو بیست و پنجاه است از آن جمله یکی مسجد موسوم به مسجد علیشاه است که فعلا خراب میباشد و چند سال قبل مرتبه تحتانی آنرا تعمیر نموده اند و مناره آنرا که بلندترین منارهای مساجد تبریز است نیز تعمیر کرده اند.

نادر میرزا صاحب کتاب «تاریخ تبریز» با نقل قول از مورخین دیگر ضمن شرح مفصلی در باره مسجد جامع علیشاه نوشته است:

«مسجد علیشاه - اکنون آنجا را (ارک) مینامند اساعه دولت و غلات دیوانی را انبار است این مسجد را علیشاه وزیر که جیلی یا جیلان لقب داشت بنیاد نهاد وی در امر وزارت غازان خان باخواجه رشیدالدین مشارکت داشت. بفرمان پادشاه عمارتی در تبریز نمود و در اتمام آن تعجیل کرد. چون گنبد آن مسجد عمارت کردند بنیان که تازه هنوز سخت نشده بود فرو نشست و طاق بشکست».

دراوایل دوران سلطنت اعلیحضرت رضا شاه بزرگ موقع احداث خیابان پهلوی (تبریز) محوطه اطراف باقیمانده این بنا مبدل بیاغ گشته و در قسمت شرقی آن سالن نمایش ساخته شده و این باغ باسالن مزبور و قسمتی از عمارت

مشرف به خیابان در تحویل و مورد استفاده جمعیت شیر و خورشید سرخ تبریز میباشد.

۱۰ - محراب مسجد جامع مرند (۷۳۱ هـ - ۱۳۱۳ م)

مسجد جامع مرند از بناهای سده هشتم هجری است که در نتیجه تعمیرات مکرر بصورت بنای تازه درآمده و بنای اصلی نمیباشد و فعلاً در پشت محوطه عمارت جدید فرمانداری (گوشه شمال شرقی چهارراه پهلوی) واقع است. از آثار قدیمی این مسجد فقط محرابی باقیمانده است که در سال ۷۳۱ هـ - با امر سلطان ابوسعید بهادرخان بدست يك استاد گچ بر و صنعتگر تبریزی ساخته شده است.

این محراب گچ بری شده (بعرض ۲/۷۵ متر و بلندی ۶ متر) در قسمت وسط طرف جنوبی واقع است که در دورتادور حاشیه آن آیاتی از قرآن مجید بخط کوفی گچ بری شده و کتیبه تاریخی آن در هلالی بزرگی بالای قسمت اصلی محراب بشرح زیر خوانده میشود:

« جدد من فواضل الانعام السلطان الاعظم مالك رقاب الامم ابو سعید بهادرخان خانداله ملكه فی احدى وثلثین و سبعمائه هجریه،
در فاصله دوستون نام سازنده محراب بخط رقاع بشرح زیر نوشته شده است:

«عمل عبدالفقیر نظام بند گیر تبریزی»

باملاحظه نوشته سنگی که در بالای درب شبستان جنوبی نصب شده چنین معلوم میشود که در سال ۷۴۰ هجری خواجه حسین نامی امر به تجدید و تعمیر مسجد نموده و چون در این تعمیرات وضع اولیه بکلی تغییر یافته لذا میتوان گفت که از ساختمان اصلی مسجد جامع مرند بجز محراب گچ بری ظریف اثری دیگر باقی نمانده است.

۱۱ - مسجد کبود تبریز (۸۷۰ هـ - ۱۴۶۵ م)

مسجد کبود تبریز که به لهجه محلی (کوی مسجد) گویند از اثنیه دوران حکمرانی جهانشاه پسر قریب یوسف ترکمان و سومین پادشاه سلسله قراقویونلو است.

این مسجد که یکی از آثار و اثنیه عالی و با عظمت و از یادگارهای قرن نهم هجری است و نمونه بارزی از هنر استادان و صنعتگران ماهر و هنرمندان ایران بشمار میرود در نتیجه عدم توجه و آسیبهای وارده از طرف مردم نادان و بیسلاقه و در اثر زلزله های مکرر بصورت خرابه ای افتاده و بوضع کنونی در آمده است.

بانی این بنا صالحه دختر جهانشاه^۱ است و در دوره آبادی این بنا را مسجد یا عمارت مظفریه (بنابه نوشته کتیبه موجود در پایه شرقی طاق سردر شمالی) یا بنام فیروزه اسلام مینامیدند و این نام گذاری بمناسبت رنگ کاشیهای معرق ظریف نمای خارجی و قسمتهای داخلی آن بوده که اغلب رنگ فیروزه ای و کبود داشتند.

از مورخین و سیاحان ایرانی و خارجی هر کدام که این مسجد را دیده در تألیفات و سیاحتنامه های خود این بنا را با ساختمانها و ملحقات زیادی و قبیل خانقاه و صحن و حوضخانه و کتابخانه بعمارت مظفریه نامیده و از عظمت و شکوه آن و سبک معماری و کاشیکاری قسمتهای مختلف تعریف و توصیف زیاد نوشته اند.

درباره وضع اصلی مسجد کبود تاورنیه سیاح فرانسوی که در سال ۱۶۴۶ میلادی (۹۰۵۶ هـ) بایران مسافرت کرده در سفرنامه خود چنین مینویسد:

۱ - جهانشاه پسر قره یوسف از امرای قره قویونلو که از سال ۸۴۱ الی ۸۷۴ هـ (۱۴۳۷-۱۴۶۹ م) در آذربایجان و عراق و خراسان حکمرانی میکرد و در اواخر سلطنتش بقصد حسن بیک (اوزون حسن آق قویونلو) پدیدار بکرتشون کشی نموده و پس از کشته شدن بدست سواران حسن بیک جسد او را به تبریز نقل و در عمارت مظفریه (مسجد کبود) دفن کردند. (۱۴)

در خارج شهر تبریز سر راه اصفهان مسجدی است با بنای عالی که کرسی آن هشت پله از کف زمین معبر بلندتر بوده و در دو طرف نمای رو بشمال دو مناره مانند برج استوانه شکل کم قطر پوشیده از کاشی ساخته شده . گنبد بزرگ این مسجد از طرف داخل روی دوازده مجردی بنا شده که شانزده مجردی هم از خارج تکیه گاه آن است .

سطح داخلی گنبد و دیوارها با زیباترین کاشیهای الوان مزین گشته که حاوی کتیبه‌هایی از آیات قرآن و گل و بوته‌ها از کاشیهای فیروزه‌ای و لاجوردی و زرد و غیره است و از این گنبد داخل گنبد کوچکتری میشود که خیلی قشنگ‌تر از اولی است و سطح داخلی آن با کاشیهای معرق لاجوردی پوشیده شده است .

در اطراف محوطه زیر این گنبد سنگهای مرمر بزرگ بدیوار نصب شده که مایهٔ تعجب و حیرت است . سطح خارجی گنبد اول با کله‌های سفید زمینه سبز و سطح گنبد دوم با ستاره‌های سفید روی زمینه مشکی پوشیده شده است .

رو بروی مسجد در طرف دیگر معبر باقیماندهٔ بنای مخروبهٔ دیگری دیده میشود که گویا منزل شیخ یا امام جماعت مسجد بوده .

وضع فعلی مسجد کی بود - از بقایای ساختمان این مسجد که دال بر عظمت معماری و زینت و کاشیکاری آن میباشد چند طاق شکسته در قسمت داخلی و سردر خارجی سمت شمال است .

در اغلب قسمتهای باقیماندهٔ مسجد کتیبه‌هایی با خط ثلث بسیار عالی از آیات قرآنی با کاشی معرق و مقرنسه‌های نفیس و زیبایی دیده میشود که از شاهکارهای عالی روزگار فرمانروایی دودمان قراوقویونلو بشمار میرود .

علاوه بر کتیبه‌های معرق از آیات قرآنی در بسیاری از طاق دیوارها و روی پایه‌ها که با طرح‌ها و اشکال مرکب از گل و بوته و کاشیهای معرق الوان پوشیده شده اسماء الله مانند :

یادائم الخیرات- یا انیس الغربا- بادائم النوال- یا حبیب الفقرا- یا کثیر الانعام
یا منان- یا برهان- یا احد- یا صمد- یا عزیز- یا خلاق با کاشی معرق سفید
رنگ قرار گرفته است.

کلیه کتیبه های داخلی از آیات قرآنی انتخاب و بخط ثلث سفید رنگ
طرح سازی و با مهارت تمام معرق کاری شده است بطوریکه درز معرقها باشکال
معلوم و تماماً یکپارچه بنظر میرسد و فقط در قسمت داخلی طرفین پاتاق
درب ورود فعلی مسجد در میان کاشیهای معرق دولوچی هر یک تقریباً بطول
پنجاه سانتیمتر روی کاشی مشکی باخط سفید معرق باقیمانده که تنها کتیبه
فارسی در بنا بوده و حاوی دو مصراع ذیل است:

در سمت شرقی: « کردار بیارو کرد گفتار مگر»

در سمت غربی: « چون کرده شود کار بگویند که کرد»

شبهستان کوچک بشکل کثیر الاضلاع هشت پهلو است که پهنای داخلی
آن ۱۵/۵۰ متر و ازاره دیوار هایش از سنگهای مرمر صاف بزرگ بارتفاع
دو متر پوشیده و در قسمت بالای آنها حاشیه مانند سوره (عم یسائلون) را با
خط نسخ برجسته حجاری کرده اند. قسمتی از این سنگها شکسته و ریخته
بود که در تعمیرات سال ۱۳۱۹ خورشیدی از زیر خاک در آورده شد و در کنار
دیوارها نصب و نگهداری شده است.

سطح خارجی دیوارهای دو طرف بنا با کاشیهای معرق و تزئینات تخمیری
(اشکال مرکب از کاشیهای الوان معرق با تیره آجرهای باریک و ضخیم) پوشیده
بوده که در بعضی از قسمتها مخصوصاً در دیوارهای سمت شرق آثار آثاری باقی
مانده و کلیه بنا ازاره سنگی دارد که از تخته سنگهای بزرگ تشکیل
یافته است.

سطح جلوخان سردر بنا که رو بشمال است هفت متر طول و پنج متر عرض
دارد و از سطح کوچه مقابل باندازه پنج پله سنگی (هریک به بلندی ۲۰ سانتی
۳۰ سانتیمتر) بلندتر است.

در پایه های دو طرف که بعرض $4/30$ متر است در قسمتی به پهنای ۵۰ سانتیمتر کتیبه اصلی بنا با کاشیهای معرق سفید رنگ (بمناسبت از بین رفتن رنگ سفید قسمت عمده خطها برنگ آجری دیده میشود) روی متن اجوردی بخط نسخ نصب شده و سطح بقیه پایه ها با طرحها و اشکال مرکب از گل و بوته و کاشیهای معرق الوان پوشیده بوده که فعلا قسمتی ریخته و در میان آنها کلمات یاد ائمه الخیرات - یا انیس الغربا - یاد ائمه النوال - یا حبیب الفقرا - یا کثیر الانعام - یا منان - یا برهان با کاشی معرق سفید رنگ قرار گرفته است.

در پایه طرف غربی سردر آیه ۱۸ و آیه ۱۹ از سوره توبه قرآن مجید نوشته شده است ولی قسمتی از این کتیبه و خط و کاشیکاری قسمت بالای سردر بکلی ریخته و از بین رفته است.

در پایه طرف شرقی عبارت زیر باقیمانده :

«..... الصلوة علی نبیه محمد والله الطیبین..... عماره المبارکه المظفریه فی رابع ربيع الاول من سنه سبعین وثمانمائه - اقل العباد نعمه الله بن محمد البواب»
(۸۷۰ هـ - ۱۴۶۵ م)

در قسمت داخلی طاق زیر مقرنسا در طرفین و در وسط کتیبه ای بنام ودعای سلطان جهان شاه بن شاه یوسف موجود بوده که قسمت عمده آن ریخته و فقط کلمات چندی باقیمانده است.

تعمیرات انجام یافته - در سالهای ۱۳۱۸ و ۱۳۱۹ برای جلوگیری از ریزش و خرابی بیشتر کتیبه تاریخی و باقیمانده آثار سردر تعمیراتی بادستور اداره کل باستانشناسی در قسمت جلوخان و پشت سر در بعمل آمده است.

از سال ۱۳۲۷ شمسی بعد طبق برنامه تنظیم شده از طرف اداره کل باستانشناسی نسبت بتعمیر و همچنین آجرچینی دیوارها و پایه ها و زدن طاقهای

پوشش رواقهای غربی و شرقی و تهیه و نصب قسمتی از سنگهای بزرگ ازاره دیوارهای خارجی بتدریج انجام یافته است .

امید است با توجه اولیاء محترم امور نسبت بادامه تعمیرات ضروری جهت نگاهداری باقیمانده کاشیکاریهای معرق این بنای مذهبی که یکی از آثار صنعتی و هنری ارزنده و مفاخر ملی است قدمهای مؤثری برداشته شود .



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی